



محمد منان رئیسی
نماینده مجلس



حامد یزدیان
نماینده مجلس



نادرقلی ابراهیمی
نماینده مجلس



کامران غضنفری
نماینده مجلس



مصطفی طاهری
نماینده مجلس



حسینعلی حاجی دلگانی
نماینده مجلس



مجتبی یوسفی
نماینده مجلس



حسین کمالی
وزیر اسبق کار



حسن صادقی
قائم مقام خانه کارگر



علیرضا نوین
نماینده مجلس



عباس بیگدلی
نماینده مجلس



فتح الله توسلی
نماینده مجلس



پیمان فلسفی
نماینده مجلس



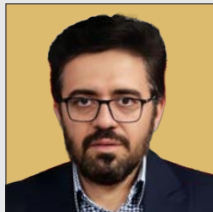
سیدمرتضی محمودی
نماینده مجلس



حمیدرضا کاشانی
رئیس اتحادیه مرغداران میهن



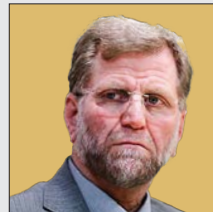
وحید عزیزی
تحلیلگر مسائل اقتصادی



سعید فتحی سارانی
تحلیلگر مسائل اقتصادی



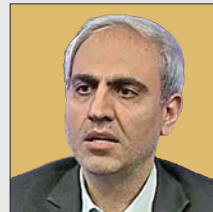
داوود منظور
رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه



مرتضی عزتی
اقتصاددان



حسین راغفر
اقتصاددان



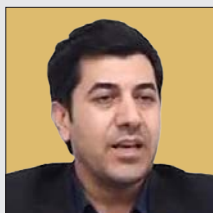
محسن پیرزاده
معاون سابق دیوان محاسبات



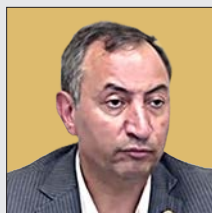
مهدی مسعودی
رئیس کمیسیون کشاورزی
اتاق تعاون



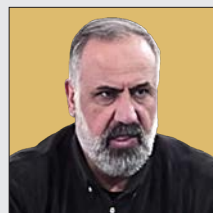
میثم خلیل زاده
عضو موسسه علوم دامی کشور



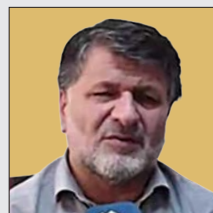
یعقوب یآوری
عضو کانون سراسری
مرغداران گوشتی



علی شاهمرادی
رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی زنجان



جواد ابراهیمی
مدیرعامل اتحادیه مرکزی دامداران ایران



هدایت اصغری
مدیرکل اسبق جهاد کشاورزی
استان قزوین



فرزاد تلاکاش
دبیرکل فدراسیون طیور ایران

اجماع ۶۰ کارشناس:

حذف ارز ترجیحی عامل گرانی ها است

نه جنگ

طرح همتی در حذف ارز ترجیحی
چه بر سر معیشت خانوار آورد؟



حسن روزبھانی
نایب رئیس کانون سراسری
مرغداران گوشتی



حبیب اسدالله نژاد
مدیرعامل اتحادیه سراسری
مرغداران کشور



مرتضی افقه
اقتصاددان و عضو هیات علمی
دانشگاه شهید چمران اهواز



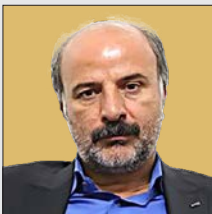
رضا سالمی
دبیرانجمن واردکنندگان
گوشت و فرآورده های دامی

در حالی که مسئولان دولت پزشکيان در ماه های اخیر تبعات ناشی از جنگ را عامل گرانی ها معرفی می کنند تا از مسئولیت خود در تنظیم بازار و سیاست های اقتصادی طفره ببرند، ۶۰ کارشناس، صاحب نظر، فعال صنفی، نماینده مجلس که در میان آنها حتی حامیان مسعود پزشکيان در انتخابات هم

دیده می شود، در گفت و گو با چارسوق تصریح کردند که عامل گرانی ها حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی از دی ماه سال گذشته بوده که سبب افزایش چند برابری قیمت کالاهای اساسی و سایر اقلام مصرفی مردم شده است و دولت نباید با بهانه کردن جنگ، اشتباه سیاستی خود را انکار کند.



مسعود رسولی
دبیرانجمن تولید و بسته بندی گوشت



علی احسان ظفری
رئیس اتحادیه فرآورده های لبنی



فرامرز اختراعی
رئیس سندیکای تولیدکنندگان مواد اولیه دارویی



رضا مبصری
عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی گرگان



حسین مهدی زاده
رئیس کارگروه دام و طیور اتاق بازرگانی



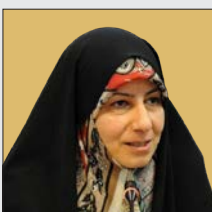
عطاالله هاشمی
رئیس بنیاد ملی گندمکاران



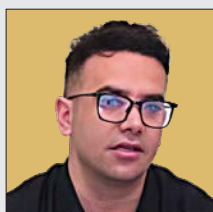
حمید سوری
عضو هیات مدیره انجمن صنایع لبنی



احسان فرزانه
پژوهشگر اقتصاد سیاسی



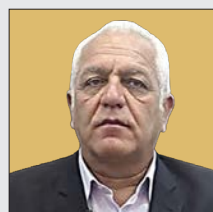
سکینه اشرفی
معاون اسبق شهرداری تهران



علی رجایی
کارشناس صنعت و عضو اتحادیه لوازم خانگی



حسن حسن خانی
اقتصاددان



احمد مقدسی
رئیس انجمن گاوداران ایران



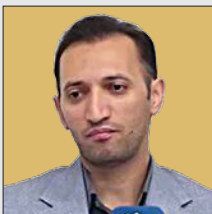
شاهرخ شریفی
رئیس اتحادیه سوپرمارکت و مواد پروتئینی



محمد مسعودی
مدیرعامل اتحادیه کارخانجات خوراک دام



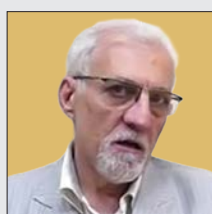
اکبر یازوکی
رئیس اتحادیه فروشندگان
لوازم خانگی



حامد نجفی
عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس



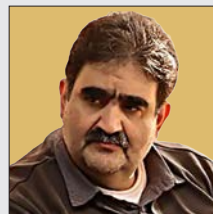
کاوه زرگران
رئیس کمیسیون کشاورزی
و صنایع تبدیلی اتاق بازرگانی



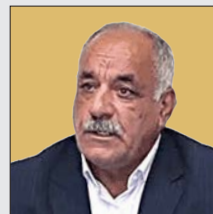
حمید فاضلی
مدیرعامل اتحادیه سراسری
صنعت مرغداری کشور



حسین توکی
عضو کانون خبرگان کشاورزی ایران



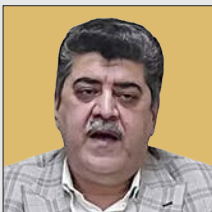
فرامرز توفیقی
رئیس سابق کمیته دستمزد
شورای عالی کار



الالبیار ولی زاده
رئیس اتحادیه صنعت
دامپروری کشور



حجت الاسلام حسن شجاعی
نماینده سابق مجلس



جواد مشهدی عباس
مدیرعامل اتحادیه آهن کاران



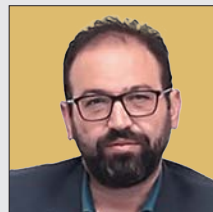
ایرج خسرونی
رئیس هیات مدیره پزشکان متخصص داخلی



احمد حق پژوه
مشاور عالی اتاق اصناف کشاورزی



حسن فروزان فرد
عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی



یعقوب محمودیان
اقتصاددان



حسن عابدی جعفری
وزیر اسبق بازرگانی

اجماع ۶۰ کارشناس:

حذف ارز ترجیحی عامل گرانی ها است

نه جنگ

طرح همتی در حذف ارز ترجیحی چه بر سر معیشت خانوار آورد؟

ماه‌های اخیر بود، همچنین موضوعی که بر شدت بار منفی حذف ارز ترجیحی بر معیشت خانوار اثر گذار بود، عدم ارائه جایگزین روشن به واردکنندگان پس از حذف ارز ترجیحی بود. مسئولان دولت چهاردهم، این بار در توجیه رشد افسارگسیخته قیمت‌ها، جنگ را عامل جهش نرخ‌ها در بازار کالا و خدمات مصرفی مردم دانستند، با این حال واقعیت‌ها اما چیز دیگری است. ۶۰ صاحب‌نظر، فعال صنفی و خبره اقتصادی دیدگاه‌های خود درباره تبعات حذف ارز ترجیحی و کاهش شدید قدرت خرید خانوار را مطرح کردند که در جدول زیر قابل مشاهده است:

ردیف	نام	سمت	دیدگاه
۳۱	علی احسان ظفری	رئیس اتحادیه فرآورده‌های لبنی	هیچ یک از مسئولان دولتی به خودشان اجازه ندهند که گرانی‌ها را به گردن جنگ ببینازند، چون خودشان هم خوب می‌دانند گرانی هیچ ربطی به جنگ ندارد و فقط معلول حذف ارز ترجیحی است
۳۲	رضا سالمی	دبیرانجمن واردکنندگان گوشت و فرآورده‌های دامی	قیمت ارز برای تأمین کالاهای اساسی از دی‌ماه پارسال ۵ برابر شد، در نتیجه داریم کالاها گران نشود؟ جنگ و محاصره هیچ تأثیری در گرانی گوشت و مرغ نداشته‌اند
۳۳	جواد مشهدی عباس	مدیرعامل اتحادیه آهن کاران	گرانی مصالحی مثل میلگرد و تیرآهن ربطی به خسارت فولاد مبارکه در جنگ ندارد و حاصل حذف ارز ترجیحی در زمستان سال گذشته است
۳۴	حسن روزبهنایی	نایب رئیس کانون سراسری مرغداران گوشتی	دولت با حذف ارز ترجیحی ناگهان هزینه‌های تولید مرغ و گوشت و لبنیات را در کشور ۵ برابر کرد، این چه ارتباطی به جنگ دارد؟!
۳۵	حمید فاضلی	مدیرعامل اتحادیه سراسری صنعت مرغداری کشور	امروز گرانی مرغ هیچ ارتباطی به جنگ ندارد و عامل گرانی، سودجویی‌ها در بازار، عدم نظارت دولت و حذف ارز ترجیحی است
۳۶	فرزاد طلاکش	دبیرکل فدراسیون طیور ایران	مرغداران ناگهان بعد از حذف ارز ترجیحی با ۵ برابر شدن قیمت خوراک مرغ مواجه شدند و الآن باید از بازار پول قرض کنند تا بتوانند نهاده بخرند؛ این چه ربطی به جنگ دارد؟ این اتفاقات از قبل جنگ آغاز شده بود
۳۷	احمد مقدسی	رئیس انجمن گاوداران ایران	روزی که ارز ترجیحی قطع شد و قیمت کالاهای اساسی ۶ برابر شد که اصلاً جنگ شروع نشده بود، پس مسئولان حق ندانند گرانی امروز گوشت و مرغ و لبنیات را گردن جنگ ببینازند
۳۸	حبیب اسدالله نژاد	مدیرعامل اتحادیه سراسری مرغداران کشور	گرانی شدید مرغ در بازار هیچ ارتباطی به جنگ ندارد و تنها علتش حذف ارز ترجیحی و ۵ برابر شدن یک شبه نهاده تولید توسط دولت بود
۳۹	محمد مسعودی	مدیرعامل اتحادیه کارخانجات خوراک دام	گرانی‌های فعلی در بازارهای گوشت و مرغ و لبنیات، هیچ ارتباطی به جنگ ندارد، اجازه ندهید این دروغ را به شما بگویند
۴۰	حمیدرضا کاشانی	رئیس اتحادیه مرغداران میهن	جنگ اثری در گرانی قیمت تخم‌مرغ نگذاشته و تنها دلیل گرانی مرغ و تخم‌مرغ حذف ارز ترجیحی است
۴۱	کاوه ززرگان	رئیس کمیسیون کشاورزی و صنایع تبدیلی اتاق بازرگانی	امروز تنها عامل گرانی کالاهای اساسی در کشور، حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی توسط دولت بود که مردم آتش را در بازار می‌بینند؛ گرانی‌ها را گردن جنگ تبدیلی اتاق بازرگانی
۴۲	مسعود رسولی	دبیرانجمن تولید و بسته‌بندی گوشت	۸۰ درصد ارز ترجیحی کشور صرف ارزان نگه داشتن گوشت و مرغ می‌شد، وقتی این ارز را حذف کردید حالا حق ندارید گرانی‌ها را به گردن جنگ ببینازید
۴۳	حسین مهدی‌زاده	رئیس کارگروه دام و طیور اتاق بازرگانی ایران	گرانی‌های مرغ و تخم‌مرغ که مردم در روزهای اخیر مشاهده می‌کنند، هیچ ارتباطی به جنگ و محاصره ندارد و تنها علتش حذف ارز ترجیحی در دی‌ماه پارسال است
۴۴	شاهرخ شریفی	رئیس اتحادیه سوپرمارکت و مواد پروتئینی	دولت با تبدیل ارز ۲۸۵۰۰ تومانی پوشک بچه به ۱۴۰ هزار تومان، باعث شده پوشک بچه ۲۰۰ درصد گران شود
۴۵	علی رجایی	کارشناس صنعت و عضو اتحادیه لوازم خانگی	کارخانه‌های لوازم خانگی در مدت یک ماه، به بهانه حذف ارز ترجیحی دوسه مرتبه قیمت‌ها را افزایش دادند، کسی هم با آنها کاری ندارد!
۴۶	سکینه اشرفی	معاون اسبق شهرداری تهران	استایدی که تعدیل اقتصادی را در دهه ۱۷۰ اجرا کردند الآن شاگردانشان به دستور بانک جهانی ارز ترجیحی را حذف کردند. سیاست‌های اقتصادی اخیر دولت پزشکشان مخرب است
۴۷	فرامرز اختراعی	رئیس سندیکای تولیدکنندگان مواد اولیه دارویی	حذف ارز دارو که مدنظر وزارت بهداشت است، تبعات بسیار سختی برای مردم خواهد داشت و دارو بسیار گران می‌شود
۴۸	حسن فروزان فرد	دلیل گرانی مواد غذایی در زمستان پارسال است	دلیل گرانی مواد غذایی در ماه‌های اخیر، جنگ نیست، حذف ارز ترجیحی در زمستان پارسال است
۴۹	فرامرز توفیقی	رئیس سابق کمیته دستمزد شورای عالی کار	روغن ۴ کیلویی جامد قبل از حذف ارز ترجیحی ۴۱۸ هزار تومان بود که امروز به یک میلیون و ۸۷۰ هزار تومان رسیده است و این را نمی‌توان به گردن جنگ انداخت
۵۰	عطاالله هاشمی	رئیس بنیاد ملی گندمکاران	بعد از حذف ارز ترجیحی هزینه‌های تولید به شکل سرسام‌آوری بالا رفت، دولت خودش عامل گران فروشی است و نهاده‌ها به هموقع و به اندازه کافی به دست کشاورزان نمی‌رسد
۵۱	احمد حق‌پژوه	مشاور عالی اتاق اصناف کشاورزی	واقعا به چه دلیلی در صورت ماندن ارز ترجیحی کشور دچار قطعی می‌شد؟ از نظر عقلی و منطقی، بروز قطعی در ایران ممکن نیست مگر اینکه اتفاقات عجیب و غریبی مثل آتش‌فشان بزرگ یا یک زلزله مهیب و بی‌سابقه رخ بدهد
۵۲	یعقوب محمودیان	جنگ نهایتاً تا ۲۰ درصد در گرانی‌های ماه‌های اخیر تأثیر داشته است. ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومان را حذف کردند و به ۵۰ هزار تومان رساندند، توقع داریم قیمت‌ها ثابت بماند؟	
۵۳	حامد نجفی	دلیل افزایش تورم جنگ نیست. تورم غذا چند ماه است ۳ رقیمی شده، این روند نامطلوب برای اولین بار در تاریخ ایران رخ داده است؛ یعنی قبل از جنگ؛ پس آدرس اشتباه به مردم ندهید	
۵۴	اکبر پازوکی	رئیس اتحادیه فروشنندگان لوازم خانگی	برخی لوازم خانگی تا ۱۰۰ درصد گران شده است که اصلاً هم ربطی به جنگ ندارد و از بهمن پارسال آغاز شد. مهم‌ترین دلیلش صف‌های طولانی برای تخصیص ارز است. ما این صف‌ها را در ۱۴۰۲ هم داشتیم، مگر ۱۴۰۳ جنگ بود؟
۵۵	حسن حسن‌خانی	بیش از ۹۰ درصد تظاهرات ارزی و شوک‌های تورمی، حاصل سیاست‌های دولت و وزارت صمت است و هیچ ربطی به ترامپ و جنگ ندارد	
۵۶	ایرج خسرونی	رئیس هیات‌مدیره پزشکان متخصص داخلی	با حذف ارز ترجیحی انسولین ۵۰ تا ۶۰ درصد دایبانی‌ها قدرت خرید انسولین را نخواهند داشت
۵۷	حسن عابدی جعفری	وزیر اسبق بازرگانی	دولت اشتباه کرد از حذف کرد، از اول هم معلوم بود دود این کار اشتباه، به چشم مردم خواهد رفت. هنوز با گذشت چند ماه از حذف ارز ترجیحی، نتوانستند اثرات مخرب اشتباه‌شان را جمع کنند
۵۸	احسان فرزانه	پژوهشگر اقتصاد سیاسی	آن‌هایی که به دروغ می‌گویند جنگ عامل گرانی‌هاست، گزارش بهمن‌ها با یک مرکز در باره نرخ تورم را ندیده‌اند؟ قبل از جنگ رمضان و در بهمن ماه، طبق گزارش بانک مرکزی، وارد تورم سه‌رقمی شده بودیم
۵۹	رضا مبصری	عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی کرگان	وقتی ناگهان ارز ۲۸۵۰۰ تومانی را بر داری و مبنای تولید را از ۱۵ هزار تومانی کنیدی، خوب مشخص است که قیمت مرغ و گوشت ۵ برابر می‌شود، این چه ربطی به جنگ دارد؟
۶۰	مرتضی افقه	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه شهید چمران اهواز	با اینکه می‌دانستند بعد از جنگ ۱۴ روزه، جنگ دیگری در راه است، اما در دی‌ماه پارسال، اصلاحات ارزی انجام دادند که اشتباه بود. عامل اصلی تورم حذف ارز ترجیحی در زمستان پارسال است و جنگ هم نمی‌شود، تورم همین قدر بود

رسانه‌ها تبلیغ می‌کردند که اگر جولی ارز ۲۸۵۰۰ تومانی را بگیریم، رانت‌های کلانی را از بین خواهیم برد و با کاهش تقاضای روزانه ارز در مرکز مبادله، میزان ارز بازگشتی به کشور نیز افزایش می‌یابد، در نتیجه به همگرا شدن نرخ‌ها، به سمت ارز تک‌نرخ خواهیم رفت و مانع از رشد تورم خواهیم شد. با این حال، روند‌ها پس از حذف ارز ترجیحی و نادیده گرفتن هشدارهای دلسوزان، واقعیت‌های دیگری را آشکار کرد. جهش نرخ‌ها، رکورد شکنی نرخ تورم، شوک قیمتی به کالاهای اساسی، مایحتاج عمومی و دارو و در نهایت رسیدن دلار به مرز ۲۰۰ هزار تومان؛ حاصل سیاست ارزی عبدالناصر همتی در

تومانی از دی‌ماه سال گذشته بوده که سبب افزایش چند برابری قیمت کالاهای اساسی و سایر اقلام مصرفی مردم شده است و دولت نباید به بهانه کردن جنگ، اشتباه‌های سیاسی خود را انکار کند.

با اینکه بیشتر اقتصاددانان و خبرگان اقتصادی نسبت به تبعات حذف ارز ترجیحی به دولت چهاردهم هشدار داده بودند، اما با شروع به کار عبدالناصر همتی به عنوان رئیس کل بانک مرکزی در دی‌ماه سال ۱۴۰۴، وی یکی از مهم‌ترین اولویات‌های کاری خود را حذف ارز ترجیحی عنوان کرد و بیان داشت که از این طریق می‌خواهد جلوی رانت‌های ارزی را بگیرد. طرفداران فکری وی در

در حالی که مسئولان دولت پزشکشان در ماه‌های اخیر تبعات ناشی از جنگ را عامل گرانی‌ها معرفی می‌کنند تا از مسئولیت خود در تنظیم بازار و سیاست‌های اقتصادی طفره ببروند، ۶۰ کارشناس، صاحب‌نظر، فعال صنفی، نماینده مجلس که در میان آنها حتی حامیان مسعود پزشکشان در انتخابات هم دیده می‌شود، در گفت‌وگو با چارسوق تصریح کردند که عامل گرانی‌ها حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰

گزارش

مسکن در تله رکود تورمی؛

ساخت‌وساز ۴۰ درصد آب‌رفت

کارشناس بازار مسکن، با اشاره به کاهش بیش از ۴۰ درصدی ساخت‌وساز نسبت به سال گذشته گفت: تداوم افت سرمایه‌گذاری، کاهش عرضه و گندی اجرای پروژه‌های حمایتی می‌تواند زمینه‌ساز موج تاز‌آبی از افزایش قیمت مسکن و تشدید فشار بر بازار اجاره و فراهم کند.

فرشید ایلاتی، در خصوص وضعیت بازار مسکن گفت: رکود معاملاتی در بازار مسکن همچنان ادامه دارد و بخش قابل توجهی از معاملات متوقف شده است، به طوری که حجم معاملات در شهر تهران شاید به کمتر از ۲ هزار فقره و در سطح کشور نیز به کمتر از ۲۰ هزار معامله رسیده باشد که فاصله قابل توجهی با شرایط عادی و دوره‌های رونق بازار دارد.

ایلاتی ادامه داد: حجم فعلی معاملات حدود یک‌ششم سطح مطلوب بازار است و این موضوع نشان می‌دهد که بازار مسکن هنوز به شرایط عادی بازنگشته است. وقتی تعداد معاملات تا این اندازه کاهش پیدا می‌کند، نمی‌توان از بازگشت رونق به بازار سخن گفت و همچنان بخش بزرگی از خریداران و فروشنده‌گان با احتیاط رفتار می‌کنند. این کارشناس بازار مسکن افزود: البته رکود در معاملات تنها نگرانی بازار مسکن نیست، بلکه مسئله اصلی افت ساخت‌وساز و کاهش تعداد پروانه‌های ساختمانی جدید است. درواقع بازار مسکن به طور هم‌زمان با رکود در سمت تقاضای معاملاتی و کاهش فعالیت در سمت تولید و عرضه مواجه شده که ترکیب این دو وضعیت می‌تواند در آینده مشکلات بیشتری ایجاد کند. وی با اشاره به کاهش سرمایه‌گذاری در ساخت‌وساز تصریح کرد: برآورد‌ها نشان می‌دهد که ساخت‌وساز نسبت به مدت مشابه سال گذشته بیش از ۴۰ درصد کاهش یافته است. چنین افتی در فعالیت‌های ساختمانی به این معناست که در سال‌های آینده واحدهای کمتری وارد بازار خواهد شد و زمانی که عرضه کاهش پیدا کند، فشار آن به تدریج در بخش‌های مختلف بازار نمایان می‌شود.

ایلاتی با بیان اینکه کاهش تولید مسکن بیش از همه می‌تواند بازار اجاره را تحت تأثیر قرار دهد، گفت: بخشی از افزایش نرخ‌های اجاره از ابتدای سال را باید در همین کاهش ساخت‌وساز و افت سرمایه‌گذاری جست‌وجو کرد. زمانی که تولید واحدهای جدید کاهش پیدا می‌کند و عرضه متناسب با نیاز بازار افزایش نمی‌یابد، فشار بیشتری بر مستأجران وارد می‌شود.

وی ادامه داد: بنابراین وضعیت فعلی فقط محدود به خرید و فروش نیست و باید بازار اجاره را نیز در کنار آن دید. وقتی سرمایه‌گذاری جدید در بخش مسکن کاهش پیدا می‌کند آثار آن در کوتاه‌مدت و میان‌مدت به شکل کاهش عرضه و افزایش فشار قیمتی در بازار اجاره خود را نشان می‌دهد.

نهیض ملی مسکن زیر فشار کمبود منابع بانکی

این کارشناس مسکن با اشاره به نقش دولت در افزایش عرضه واحدهای مسکونی افزود: راز بار بود در کنار ساخت‌وساز بخش خصوصی، طرح‌های دولتی به ویژه نهیض ملی مسکن نیز بخشی از نیاز موجود را پوشش دهند و به افزایش عرضه کمک کنند اما روند اجرای این طرح‌ها نیز با چالش‌های جدی مواجه شده است. ایلاتی گفت: یکی از مهم‌ترین شاخص‌هایی که می‌توان براساس آن عملکرد طرح‌های حمایتی مسکن را ارزیابی کرد، میزان تسهیلات‌دهی بانک‌ها است. اگر قرار باشد پروژه‌های بزرگ مسکن حمایتی پیش برود، تأمین مالی نقش تعیین‌کننده‌ای دارد اما مار پرداخت تسهیلات نشان می‌دهد که شبکه بانکی فاصله زیادی با تکالیف تعیین شده دارد.

وی افزود: در حالی که قرار بود سهم مشخص و قابل توجهی از تسهیلات بانکی به بخش مسکن اختصاص پیدا کند، میزان واقعی پرداخت‌ها کمتر از ۵ درصد و در برخی پروژه‌ها در محدوده ۳ درصد قرار دارد. این فاصله نشان می‌دهد که تأمین مالی پروژه‌های حمایتی با وضعیت مطلوب فاصله دارد و همین موضوع نیز سرعت اجرای این طرح‌ها را کاهش داده است.

این کارشناس بازار مسکن تصریح کرد: در چنین شرایطی نه بخش خصوصی با قدرت گذشته در حال ساخت‌وساز است و نه پروژه‌های حمایتی دولت با سرعتی پیش می‌روند که بتوانند کاهش عرضه را جبران کنند، بنابراین از منظر عرضه، نمی‌توان چشم‌انداز چندانی روشن برای بازار ترسیم کرد.

ایلاتی درباره چشم‌انداز قیمت مسکن تا پایان سال ۱۴۰۵ اظهار کرد: وقتی کاهش سرمایه‌گذاری، افت ساخت‌وساز و گندی اجرای پروژه‌های حمایتی را در کنار یکدیگر قرار می‌دهیم، احتمال استمرار فشار قیمتی همچنان وجود دارد. اگر این شرایط تغییر نکنند، نمی‌توان انتظار داشت که بازار به راحتی وارد دوره ثبات و پایداری شود. وی با اشاره به هم‌زمانی کاهش معاملات و افزایش قیمت‌ها افزود: شرایط فعلی بازار مسکن را می‌توان مصداق رکود تورمی دانست؛ به این معنا که از یک طرف تعداد معاملات کاهش یافته و نقل‌وانتقال چندانی در بازار صورت نمی‌گیرد اما از طرف دیگر، قیمت‌ها و انتظارات تورمی همچنان در سطح بالایی قرار دارند.

ایلاتی ادامه داد: در بازار مسکن حتی اگر تعداد معاملات کم باشد، انتظارات تورمی می‌تواند بر قیمت‌های پیششهادی تأثیر بگذارد. در ماه‌های اخیر نیز بخشی از متقاضیان به دلیل فضای نااطمینانی و تنش‌های موجود خرید خود را به تعویق انداختند اما این توقف تقاضا به معنای کاهش فشارهای تورمی در بازار نبوده است.

ضرورت ثبات در سیاست‌های ارزی برای بهبود وضعیت بازار مسکن

وی با تأکید بر نقش تحولات ارزی در افزایش قیمت مسکن گفت: یکی از عوامل مهمی که باید در تحلیل وضعیت فعلی بازار مورد توجه قرار گیرد، جهش نرخ ارز است. افزایش نرخ ارز باعث شده بسیاری از کالاها و دارایی‌ها، خود را با سطح جدید قیمت‌ها تطبیق دهند و بازار زمین و مسکن نیز از این روند تأثیر پذیرفته است.

این کارشناس بازار مسکن افزود: مسکن است و اکنون بخش مسکن نسبت به بازار از تأخیر برخوردار اما در نهایت افزایش شدید نرخ ارز بر قیمت دارایی‌هایی مانند زمین و مسکن اثر می‌گذارد. به همین دلیل نمی‌توان تحولات بازار مسکن را جدا از سیاست‌های ارزی و شرایط اقتصاد کلان بررسی کرد.

ایلاتی با انتقاد از بی‌ثباتی در سیاست‌های ارزی اظهار کرد: هر چند وقت یک‌بار شاهد شلش گیری دوره‌های جدید تورمی و تغییر در سیاست‌های مربوط به ارز هستیم و آثار این تصمیمات به کل اقتصاد منتقل می‌شود. بخش مسکن نیز به عنوان یکی از بخش‌های مهم اقتصاد از این بی‌ثباتی آسیب می‌بیند. وی افزود: لازم است در سیاست ارزی کشور یک تعیین تکلیف اساسی صورت گیرد و اقتصاد به سمت ثبات و پیش‌بینی‌پذیری حرکت کند. وقتی فعال اقتصادی نتواند آینده نرخ ارز، هزینه‌ها و شرایط سرمایه‌گذاری را پیش‌بینی کند، به طور طبیعی تمایل او برای ورود به پروژه‌های بلندمدت ساختمانی نیز کاهش خواهد یافت.

ردیف	نام	سمت	دیدگاه
۱	مجتبی یوسفی	عضو کمیسیون عمران مجلس	چقدر به دولت گفتیم ارز ترجیحی را حذف نکن، گوش نداد و با این کارهایی که دولت پارسال انجام داد، جنگ هم نمی‌شد، امسال تورم بالا می‌رفت
۲	فتح‌الله توسلی	عضو کمیسیون اقتصادی مجلس	قیمت بسیاری از کالاهای اساسی مثل لبنیات پس از حذف ارز ترجیحی ۲۰۰ درصد گران شد، این گرانی‌ها را گردن جنگ نبینازید
۳	حسینعلی حاجی‌دلیگانی	نایب رئیس کمیسیون اصل نود مجلس	رشد شدید قیمت کالاهای اساسی که الآن مشاهده می‌کنید به خاطر حذف ارز ترجیحی توسط بانک مرکزی در سال گذشته است. ۸۰ درصد از جهش‌های قیمتی در هفته‌های گذشته هیچ ارتباطی به جنگ ندارد و معلول سیاست‌های ارزی دولت است
۴	علیرضا نوین	عضو کمیسیون عمران مجلس	گرانی کالاهای اساسی قبل از جنگ شروع شده و نمی‌توان در خصوص گرانی‌های اخیر همه کاسه گوزه‌ها را بر سر جنگ شکست
۵	کامران غصنفری	عضو کمیسیون امور داخلی مجلس	گرانی امروز کالاهای اساسی معلول سیاست اشتباه حذف ارز ترجیحی است که همتی در زمستان سال گذشته اجرا کرد و هیچ ربطی به جنگ ندارد
۶	پیمان فلسفی	عضو کمیسیون کشاورزی مجلس	گرانی کالاهاکه امروز در بازار مشاهده می‌کنید به علت حذف ارز ترجیحی در زمستان پارسال است، این چه ربطی به جنگ دارد؟
۷	حامد یزدیان	عضو هیات رئیسه کمیسیون کشاورزی مجلس	زمستان پارسال ارز ترجیحی را حذف کردید، کالایی مثل مرغ گران شد، حالا چرا این گرانی‌ها را گردن جنگ می‌انداذید؟
۸	سیدمرتضی محمودی	عضو کمیسیون امور داخلی مجلس	بعضی‌ها عامدانه نقشه دارند که خسارت جنگ را بزرگ‌نمایی کنند تا آثار تورمی شدید حذف ارز ترجیحی را کم‌رنگ کنند
۹	عباس بیگلری	عضو کمیسیون کشاورزی مجلس	مسئولان دولت در مجلس به ما گفتند اگر ارز ترجیحی را حذف کنیم و ۱ میلیون کالایرگ به هر نفر بدهیم، ۵۰۰ هزار تومان هم در جیب مردم می‌ماند، الآن این ادعا با کجای زندگی مردم تطابق دارد؟ بعد هم فوراً هرچه گران می‌شود به گردن جنگ می‌انازند
۱۰	نادرقلی ابراهیمی	عضو کمیسیون کشاورزی مجلس	عامل گرانی‌های امروز، حذف ارز ترجیحی، عدم نظارت دولت در بازار و احتکار کالا است و ارتباط خاصی به جنگ ندارد
۱۱	محمد منان رئیس	عضو کمیسیون عمران مجلس	اگر جنگ هم نمی‌شد به دلیل حذف ارز ترجیحی دقیقاً همین افزایش قیمت‌های امروز را شاهد بودیم
۱۲	مصطفی طاهری	عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس	گرانی‌های امروز هیچ ربطی به جنگ و محاصره ندارد و اگر جنگ هم نمی‌شد به دلیل سیاست‌های ارزی دولت پزشکشان در دی‌ماه پارسال، دقیقاً همین گرانی‌های امروز را شاهد بودیم
۱۳	داوود منظور	رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه	دولتی که ارز را ظرف ۲ سال از ۵۸۰۰۰ تومان به ۱۸۰۰۰۰ تومان می‌رساند و طرحی چون یکسان‌سازی نرخ ارز در قالب کالایرگ اجرامی کند نمی‌تواند توقع افزایش قیمت نداشته باشد. دلیل اصلی گرانی‌ها جنگ نیست بلکه سیاست‌های اقتصادی دولت است
۱۴	حسین کمالی	وزیر اسبق کار و فعال سیاسی اصلاح‌طلب	حذف ارز ترجیحی در زمستان پارسال، باعث ناآرامی‌های دی‌ماه و حوادث ناگوار زمستان شد. برخی اقدامات دولت در سال گذشته دشمن را امیدوار کرد و بخش عمده‌ای از تورم هیچ ربطی به جنگ ندارد
۱۵	حجت‌الاسلام حسن شجاعی	رئیس سابق کمیسیون اصل نود مجلس	گرانی‌هایی که امروز در بازار می‌بینید معلول مدیریت اشتباه و حذف ارز ترجیحی در زمستان پارسال است، ولی چون می‌خواهند کشور را به تسلیم بکشاند آن را به گردن جنگ می‌اندازند!
۱۶	محسن بروززاده	معاون سابق دیوان محاسبات	نرخ تسعیر ارز از ۱۰۳ هزار تومان کردند و عملاً پالس گرانی دلار برای سال آینده داده شد، بنابراین چرا جنگ را به عنوان مقصر گرانی معرفی می‌کنید
۱۷	حسین راغفر	اقتصاددان	گرانی‌هایی که امروز در بازارها مشاهده می‌کنید ربطی به جنگ ندارد، همه‌اش به خاطر اجرای سیاست‌های اقتصادی در دی‌ماه پارسال و حذف ارز ترجیحی است
۱۸	مرتضی عزتی	اقتصاددان و عضو هیات علمی دانشگاه تربیت مدرس	تحلیل غلط مسئولان دولت در خصوص حذف ارز ترجیحی امروز باعث شوک قیمتی در بازار کالاهای اساسی شده است. گرانی شدید قیمت مرغ و تخم‌مرغ به علت حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی در زمستان پارسال است و ربطی به جنگ ندارد
۱۹	حسین توکلی	عضو کانون خبرنگاران کشاورزی ایران	حذف ارز ترجیحی قیمت کود کشاورزی را در کشور نزدیک هزار درصد گران کرده است! قبل از حذف ارز ترجیحی کود کشاورزی کیلویی ۷۵۰ هزار تومان بود و الآن ۷ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان شده است، یعنی ۹۰۰ درصد افزایش قیمت! دولت در حین جنگ به جای حمایت، با حذف ارز ترجیحی هزینه‌های تولیدکنندگان را به شدت افزایش داد
۲۰	سعید فتحی سارانی	تحلیلگر مسائل اقتصادی	دولت خودش با دست خودش در اواخر پارسال قیمت ارز تا لار مبادله را از ۲۰ هزار تومان تا ۱۸۰ هزار تومان گران کرد و باعث افزایش قیمت تمام کالاهای اساسی شد جنگ نقشی در افزایش قیمت کالاهای اساسی نداشته و عامل اصلی، بالا رفتن قیمت ارز تا لار مبادله توسط خود دولت است که اواخر پارسال انجام شد. نقش جنگ در مقابل سیاست‌های ارزی دولت و گران کردن کالاهای اساسی خیلی ناچیز است
۲۱	وحید عزیزز	تحلیلگر مسائل اقتصادی	رکود تورم کالاهای اساسی، قبل از جنگ و در زمستان پارسال که ارز ترجیحی حذف شد شکست نمی‌توان گرانی‌ها را به جنگ ربط داد
۲۲	حسن صادقی	قائم مقام خانه کارگر	واقعا مسئولان براساس چه منطقی می‌گویند اگر ارز ترجیحی را بزنمی داشتیم در کشور قطعی می‌آمد؟! این حرف غلط را از کجای آوردید؟
۲۳	مهدی مسعودی	رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق تعاون ایران	گرانی‌های فعلی در کشور هیچ ارتباطی به جنگ ندارد، عاملش فقط حذف ارز ترجیحی در دی‌ماه پارسال بود
۲۴	الله‌یار ولی‌زاده	رئیس اتحادیه صنعت دامپروری کشور	مگر نمی‌گفتید ارز ترجیحی نشتی دارد و به بیراهه می‌رود؟! پس چرا وقتی ارز ترجیحی را حذف کردید تمام قیمت‌ها ۶ برابر شدند؟! ۹۰ درصد گرانی امروز کالاهای اساسی مشخصاً به دلیل حذف ارز ترجیحی است و ربطی به جنگ ندارد
۲۵	هدایت اصغری	مدیرکل اسبق جهاد کشاورزی استان قزوین	تورم‌های بزرگی که در مواد غذایی مشاهده می‌کنید فقط معلول حذف ارز ترجیحی است و ارتباطی به جنگ ندارد
۲۶	جواد ابراهیمی	مدیرعامل اتحادیه مرکزی دامداران ایران	حذف ارز ترجیحی قیمت نهاده‌های تولید را ۵ برابر کرد به همین علت قیمت گوشت و مرغ اینطور گران شد. جنگ در ایران تا الآن هیچ نقشی در افزایش قیمت محصولات نداشته است
۲۷	علی شاهرادی	رئیس کمیسیون کشاورزی اتاق بازرگانی زنجان	برداشتن ناگهانی ارز ترجیحی بیشترین سهم را در گرانی محصولات پروتئینی داشت. گرانی‌ها از دی‌ماه آغاز شد که ارز ترجیحی حذف شد و ارتباطی به جنگ ندارد
۲۸	یعقوب باوری	عضو کانون سراسری مرغداران گوشتی	جنگ بهانه‌ای شده تا مسئولان ناکارآمدی خودشان را توجیه کنند. از دی‌ماه تا الآن قیمت جوجه یک‌روزه حدوداً ۲۶۶ درصد گران شده که فاجعه است، این چه ربطی به جنگ دارد، دلشش فقط حذف ارز ترجیحی است
۲۹	میثم خلیل‌زاده	عضو موسسه علوم دامی کشور	گرانی کالاهادر ماه‌های اخیر، ربطی به جنگ ندارد، تمام دامداران، مرغداران و تولیدکنندگان کشور این را می‌دانند که مقصر جنگ نیست
۳۰	حمید سوری	عضو هیات‌مدیره انجمن صنایع لبنی	گرانی‌های بعد از حذف ارز ترجیحی فشار بی‌سابقه‌ای به دامداران آورده و ارتباطی هم به جنگ ندارد

از سوی دیگر، دستگاه قضایی نیز در ماه‌های اخیر بر ضرورت برخورد با گران‌روشی، مداخله و احتکار و همچنین ضرورت انقراض بر تغییرات قیمت بر اساس مستندات واقعی تأکید کرده است. اما برای اینکه این سیاست نتیجه بدهد، باید مشخص باشد «قیمت واقعی» هر کالا چگونه محاسبه می‌شود چه میزان سود در هر حلقه از زنجیره قابل قبول است. در بازار لبنیات، این موضوع اهمیت دوچندان دارد؛ زیرا تولیدکننده، کارخانه، شربت‌پخش، عمده‌فروش و فروشگاه همگی در تعیین قیمت نهایی نقش دارند.

لبنیات: آزمونی برای سیاست تنظیم بازار

در نگاه نخست ممکن است تصور افزایش قیمت لبنیات مسئله‌ای میان تولیدکننده و مصرف‌کننده است اما واقعیت پیچیده‌تر است. تولیدکننده با افزایش هزینه‌ها زودتر، دامدار را باید شیر خام را با قیمت اقتصادی تولید کند، کارخانه به دنبال حفظ حاشیه سود و استسار تولید است و در نهایت مصرف‌کننده نیز متاسب با درآمد خود، خرید را انجام دهد. بنابراین سیاست‌گذار نمی‌تواند با فشار بر یک حلقه، حاشیه سود را حل کند.

گردولت قیمت را بیش از حد پایین نگه دارد، خطر کاهش انگیزه تولید و فشار بر دامدار و کارخانه افزایش پیدا می‌کند. اگر تمام هزینه‌ها آزادانه به مصرف‌کننده منتقل شود، تقاضا کاهش یافته و لبنیات از سفره خانوار حذف می‌شود. نقطه تعادل، جایی میان این دو است؛ تقاضای کافی با حداقل اطلاعات دقیق از فرقی بین شفافیت کامل در زنجیره توزیع است. جالب آنکه در بازار جهانی نیز وضعیت لبنیات در سال ۲۰۲۶، الزاماً با آنچه در بازار داخلی ایران رخ می‌دهد هم‌جهت نیست. شاخص قیمت لبنیات FAO در ژوئن ۲۰۲۶ به ۱۱۷.۴ واحد رسید که ۱.۵ درصد کمتر از ماه قبل و ۲۳.۵ درصد پایین‌تر از ژوئن ۲۰۲۵ بود. هم‌عوضه در اتحادیه اروپا، آمریکا و افزایش شفافیت در زنجیره تولید، منجر به بهبود لبنیات از عوامل کاهش قیمت جهانی عنوان شده است.

چشم‌انداز: OECD و FAO نیز نشان می‌دهد بازار جهانی لبنیات در سال ۲۰۲۶ با افزایش عرضه روبه‌روست و قیمت‌های بین‌المللی پس از افت نیمه دوم سال جاری، تنها افزایش ملایمی را تجربه خواهند کرد. این تفاوت یک نکته مهم را روشن می‌کند: همه فشارهای قیمتی بازار لبنیات ایران را نمی‌توان به تحولات جهانی نسبت داد. بخش مهمی از فشار موجود، داخلی و مرتبط با تورم، نرخ ارز، هزینه نهاده‌ها، انرژی، بسته‌بندی، حمل‌ونقل و ساختار نوع لبن است.

البته سال ۲۰۲۶ برای اقتصاد ایران سال عادی هم نیست. فشارهای ناشی از جنگ، اختلال در تجارت، افزایش هزینه حمل و نقل و محدودیت‌های ارزی به زنجیره غذا منتقل شده است. حتی FAO در مردادماه درباره احتمال شکل گیری موج جدید تورم جهانی غذا هشدار داد و افزایش قیمت نفت، کمبود کود و هزینه‌های انرژی را از عوامل فشار بر قیمت مواد غذایی در ماه‌های آینده دانست.

بنابراین، بازار لبنیات ایران در ماه‌های آینده با یک دوگانه مهم روبه‌رو خواهد بود: از یک طرف، افزایش هزینه‌های تولید می‌تواند فشار برای رشد قیمت را حفظ کند و از طرف دیگر، کاهش تقاضای خانوار به دلیل افت قدرت خرید محدودتر خواهد شد. اگر سیاست‌گذار تنها به تعیین قیمت چند قلم محصول ادامه دهد، احتمالاً بخش بیشتری از بازار به سمت محصولات خارج از قیمت‌گذاری حرکت خواهد کرد. اما اگر به جای تمرکز صرف بر قیمت نهایی، کل زنجیره را شفاف کند، می‌توان هم از تولیدکننده واقعی حمایت کرد و هم جلوی افزایش قیمت‌های فاقد توجیه را گرفت.

در نهاییات، مسئله بنیاتی فقط این نیست که شیر ۹۱ هزار تومان است یا ۱۲۰ هزار تومان و ماست دو کیلویی ۲۴۸ هزار تومان است یا ۲۶۵ هزار تومان؛ مسئله اصلی این است که چه بخشی از این قیمت ناشی از هزینه واقعی تولید است، چه بخشی مربوط به توزیع و حاشیه سود است و چه بخشی می تواند حاصل کارآمدی یا تخریف باشد. تازهانی که پاسخ روشنی برای این پرسشها را وجود نداشته باشد، سیاست قیمت گذاری همچنان یک قدم عقبتر از بازار حرکت خواهد کرد و در این فاصله، آنچه از سفره خاوار حذف می شود نه فقط یک بخشی است ماست یا بطری شیر، بلکه بخشی از کیفیت تغذیه جامعه است.

هزارتوی قیمت‌گذاری لبنیات

است که طی سال‌های گذشته به مصرف‌کننده وارد شده است. در چنین شرایطی، افزایش قیمت یک محصول غذایی دیگریک
در افزایش تقاضای مقطعی نیست. هر افزایش قیمت جدید روی سطح بالایی از
تورم انباشته می‌شود و در نهایت رفتار مصرف‌کننده را تغییر می‌دهد.
این تغییر رفتار می‌تواند از خرید برندها ارزان‌تر آغاز شود، سپس به
کاهش دفعات خرید و کوچک‌تر شدن حجم محصولات برسد و
در نهایت بخشی از خانوارها را به حذف کامل یا مقطعی برخی
از اقلام بسط دهد.

این اتفاق از منظر اقتصادی و سلامت عمومی اهمیت زیادی دارد. لبنیات صرفاً یک کالای مصرفی عادی نیست؛ شیر، ماست و پنیر، بخش مهمی از دریافت پروتئین، کلسیم و برخی ریزمغذی‌های خوار را تأمین می‌کنند. بنابراین، کاهش مصرف آنها فقط به معنای کاهش فروش کارخانه نیست، بلکه می‌تواند پیامدهای بلندمدت‌تری برای کیفیت تغذیه داشته باشد.

مسئله اصلی، نبود شفافیت در قیمت است
در این میان، یکی از مهم‌ترین ضعف‌های ساختار فعلی بازار، مسئله شفافیت است. اگر فقط

چند قلم محصول قیمت مصوب داشته باشند و برای سایر محصولات، قیمت گذاری مستقیم وجود نداشته باشد، نظرات باید از «قیمت نهایی» به «نرخ هزینه و حاشیه سود» منتقل شود. در غیر اینصورت، بازاری سرافرازه به پرخورده با موارد آشکار گران فروشی محدود خواهد شد. این موضوع در شرایطی اهمیت دارد که ظرفیت بازاری برای محدود نیست، ترکیب سازمان تعزیرات حکومتی در سال

کرده بود حدود ۶۵ هزار واحد صنعتی در این شهر وجود دارد، در حالی که حدود ۷۰ هزار صنعتی برای نظارت بر آنها مطرح بوده است. حتی اگر ظرفیت بازار برای افزایش پدیده باز هم نبود، انتظار داشت نیروی انسانی به صورت فیزیکی قیمت تمام کالاها را کنترل کند. در اصل واقعی، حرکت به سمت شفافیت دیجیتال و اتصال اطلاعات تولید، توزیع، فاکتور، موجودی و قیمت مصرف کننده است. در همین راستا، تشکیل بازار گاهه نظارت بر بازار و افزایش تعداد بازرسان می تواند در کوتاه مدت اثر برانبارانده داشته باشد اما مسئله ساختاری بازار با شکست و بازاری حل نمی شود. اگر اطلاعات قیمت و هزینه در زنجیره تأمین شفاف نباشد، تخطی می تواند در سطح فروشان به حلقه های قبلی زنجیره منتقل شود.

بخش محدودی از کالاها را پوشش می‌دهد. در چنین شرایطی، ممکن است یک محصول با مشخصات اندکی متفاوت، عملاً در همان سبد مصرفی خانوار قرار داشته باشد اما مشمول همان محدودیت قیمتی نباشد.

در نتیجه، سیاست قیمت‌گذاری به جای آنکه یک سقف شفاف برای قیمت مصرف‌کننده ایجاد کند، به فهرستی محدود از کالاهای مشخص تبدیل می‌شود؛ در حالی که تولیدکننده می‌تواند بخش قابل توجهی از محصولات خود را در قالب‌های دیگری عرضه کند. اینجاکر خلا مهم شکل می‌گیرد. اگر شبیه‌ریک با مشخصات مشخص قیمت‌گذاری شود اما محصول مشابهی با درصد چربی یا ویژگی متفاوت خارج از این فهرست باشد، مصرف‌کننده چگونه می‌تواند تصمیم‌گیری درمورد تفاوت قیمت ناشی از تفاوت واقعی هزینه تولید است؟ هر داده‌ای استفاده‌ای که خارج از عنوان مشخصات جدید به پاسخ این پرسش اهمیت زیادی دارد، زیرا بارها اینبات بازاری با تنوع بسیار بالای محصول است. هزاران نوع شیر، ماست، پنیر، خامه، دوغ، سندروف‌آرد و سایر ترکیبی در بازار عرضه می‌شود و امکان کنترل تکت قیمت‌ها با روش‌های سنتی بازاری عملاً محدود است.

از سوی دیگر، مسئله فقط قیمت فروش نیست. در اواخر تیرماه، حتی در برخی مناطق گزارش هایی از عرضه بیشتر شیر نسبت به تقاضای بازار منتشر شد و بار خرید شیر مازاد از دامداران و همچنین صادرات مدیریت شده در اختیار شرکت تصمیماتی مطرح شد. با وجود این، با گذشت ماه می، عرضه شیر نسبت به تقاضای بازار همچنان کم بود. در نتیجه، لبنیات ایرانی می تواند به دست ممکن است در حلقه تولید با مازاد عرضه مواجه باشیم اما مصرف کننده نهایی همچنان محصول لبنی را ارگان خریداری کند.

این تناقض نشان می دهد مشکل بار الزام کمبود شیر خام نیست؛ بلکه می تواند در ساختار هزینه، فرآوری، بسته بندی، حمل و نقل، توزیع، حاشیه سود و کاهش قدرت خرید مصرف کننده ریشه داشته باشد.

هزینه تولید بالا رفته اما قدرت خرید بیشتر نشده است
 نمی توان افزایش قیمت لبنیات را صرفاً به گرانی فروش نسبت داد. صنعت لبنیات زنجیره ای از هزینه ها دارد که از خوراک دام و شیر خام آغاز می شود و تا انرژي، بسته بندی، حمل و نقل، نیروی انسانی و توزیع ادامه پیدا می کند.

افزایش قیمت شیر خام در سال ۱۴۰۵ یکی از مهم‌ترین عوامل فشار بر صنایع لبنی بوده است. نرخ شیر خام که در اواخر سال گذشته حدود ۴۶ هزار و ۵۰۰ تومان گزارش می‌شد، به ۶۲ هزار و ۵۰۰ تومان رسید. در واقع، هزینه ماده اولیه اصلی کارخانه‌های لبنی در مدت نسبتاً کوتاهی رشد قابل توجهی داشته است. اما مسئله سیاست‌گذاری اینجاست که نمی‌تواند تمام افزایش هزینه تولید را به مصرف‌کننده منتقل کند، زیرا درآمد خانوار نیز متناسب با افزایش پدیدآورده است.

داده‌های منتشرشده از شاخص قیمت مواد غذایی ایران نیز عق
این مشکل را نشان می‌دهد. بررسی داده‌های مرکز آمار ایران توسط
مرکز داده‌های باز ایران نشان می‌دهد شاخص قیمت شیر در
فاصله اردیبهشت ۱۳۹۶ تا اردیبهشت ۱۴۰۵ بیش از ۴۴ برابر شده
است. این رقم قیمت ربالی یک لیتر شیر در بازار نیست، بلکه تغییر
شاخص قیمت را نشان می‌دهد اما به خوبی بیانگر فشار انباشته‌ای

گزارش

بازار لبنیات در سال ۱۴۰۵ وارد مرحله‌ای شده که دیگر مسئله فقط افزایش قیمت چند قلم محصول نیست؛ فاصله میان قیمت مصوب و توان خرید خانوار، گسترش محصولات خارج از قیمت‌گذاری مستقیم و نبود شفافیت کافی درباره قیمت بسیاری کالاها، سیاست تنظیم بازار را با یک پرسش جدی مواجه کرده: حذف چگونه می‌تواند هم از تولیدکننده حمایت کند و هم مانع از حذف تدریجی لبنیات از سفره خانوار شود؟

بازار لبنیات در هفته‌های اخیر با دگرگونی در نقاط حساس سیاست‌گذاری غذایی تبدیل شده است. در ظاهر برای پلای چند قلم محصول پرمصرف قیمت تعیین می‌کند و از تولیدکنندگان می‌خواهد این محصولات را با نرخ مشخص به بازار عرضه کنند اما در عمل، بخش بزرگی از سبد لبنیات خارج از این چارچوب قرار دارد و مصرف‌کننده با مشکلاتی مواجه است که قیمت آن‌ها نمی‌تواند از یک برند تا بزند و دیگر از یک فروشگاه تا قافه‌وفاست متفاوت قابل توجهی داشته باشد.

مسئله زمانی جدی ترمی شود که حتی قیمت های مصوب نیز برای بسیاری از خانواده ها دیگر «ارزان» محسوب نمی شود. در خردادماه ۱۳۸۵، قیمت چهار قلم لبنیات در پورصف تعیین شد: شیر نانولیو ۹۰۰ گرمی که چرب ۸۴ هزار تومان، شیر یگر یک لیتری ۹۸ هزار تومان، پنیر ۲۴ هزار تومان، چارصدا ۲۰۳ هزار تومان و ماست ده ای دو کیلوگرمی ۲۲۸ هزار و ۷۰۰ تومان. این قیمت ها در شرایطی تعیین شد که قیمت شیر محلی در حال تحویل به کارخانه نیز به ۶۰ هزار و ۲۰۰ تومان در هر کیلوگرم رسیده بود.

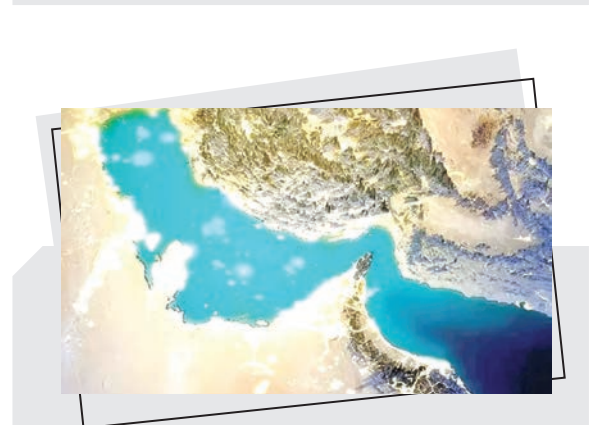
ما کم‌تر از دو ماه بعد، نرخ‌های جدیدی برای سه قلم دیگر با همان قلام یا مشخصات جدید اعلام شد. بر اساس مصوبه جدید، شیر بطری یک لیتری با ۲۰۵ درصد چربی ۱۲۰ هزار تومان، شیر نایلونی ۹۰۰ گرمی با همین میزان چربی ۹۱ هزار تومان و ماست دهبی دو کیلوگرمی ۲۶۵ هزار تومان قیمت‌گذاری شد.

مقایسه این دو مرحله نشان می‌دهد قیمت شیر بطری حدود ۲۲ درصد و قیمت ماست دو کیلویی نزدیک به ۱۶ درصد افزایش یافته است. شیر نایلونی نیز حدود ۸ درصد گران تر شده است. البته بخشی از تفاوت به افزایش درصد چربی محصولات مربوط می‌شود اما از نگاه مصرف‌کننده، نتیجه نهایی تفاوت چندان بد نیست؛ کالایی که باید در سبد غذایی روزمره قرار داشته باشد، با فاصله کوتاهی دوباره گران تر شده است.

وقتی «تغییر ششخت» جای افزایش قیمت را می‌گیرد

یکی از مهم‌ترین نکات در بررسی بازار انبساط، تفاوت میان «افزایش» قیمت یک محصول و «عرشه همان محصول با مشخصات متفاوت» است. افزایش در صورتی رخ می‌دهد که به‌دلیل تغییرات منفی در عرضه یا افزایش ماندگاری، اضافه شدن ویژگی‌های ماندگار یا ماندن ویژگی‌هایی نواند میبایر برای تعیین قیمت متفاوت باشد. از منظر تولیدکننده، این تغییرات ممکن است واقعاً هزینه تولید را افزایش دهد اما از منظر سیاست‌گذار، مسئله از ایجاد می شود که تغییرات مشخص شده به از برای در عبور از محدودیت‌های قیمت‌گذاری مبتنی بر این موضوع به‌خصوص در بازه‌های اهمیت دارد که قیمت‌گذاری مستقیم تنها

” اخبار



تنگه هرمز همچنان نبض بازار نفت را در دست دارد

در حالی که ابهام درباره آینده تردد در تنگه هرمز همچنان بر بازار جهانی انرژی سایه انداخته، قیمت نفت بار دیگر مسیر صعودی گرفته؛ واکنشی که نشان می‌دهد برخلاف برخی ادعاهای سیاسی درباره کنترل شرایط، معامله‌گران هنوز ریسک اختلاف در یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال انرژی جهان را جدی می‌دانند.

ادعای کنترل تنگه نتوانست ریسک بازار را حذف کند و برنت دوباره به مرز ۹۰ دلار نزدیک شده و تحلیلگران درباره جهش شدیدتر قیمت هادر صورت تداوم بن بست همدار می دهند. بازار جهانی نفت بار دیگر ششم به تنگه هرمز دوخته است؛ آبراهی که تحولات آن در هفته های اخیر نشان داده حتی انتشار یک خبر مثبت یا منفی درباره آینده تردد کشتی های نفتی میلهای بارز ارز را در بازارهای انرژی جابه جاد کند. با وجود گفتمان های توان چند روز گذشته درباره احیای دستیابی تهران و واشگتن به یک تفاهم و افزایش تردد از این مسیر، هنوز نشانه ای از یک راه حل پایدار دیده نمی شود و همین وضعیت، قیمت نفت را دوباره در مسیر صعودی قرار داده است. در معاملات روز سه شنبه ۱۱ اوت، نفت برنت مقطعی در محدوده ۸۸ دلار ۹۰ دلار برهشکه معامله شد. رویترز قیمت برنت را در معاملات روز سه شنبه ۸۸.۰۰ دلار گزارش کرد و آسوشیتدپرس نیز آن را در حدود ۸۹ دلار گزارش داد. ماهی منشرشده در گزارش CNBC نیز نشان می دهد برنت در بخشی از معاملات ۸۹.۶۲ دلار بالا رفته و نفت خام آمریکا به ۸۲.۰۰ دلار رسیده است. این ارقام هنوز با قله های بالاتر بازار در ماه های گذشته فاصله دارد اما آنچه برای هفته گران اهمیت بیشتری دارد، جهت حرکت قیمت هاست. نفت برنت هفته گذشته تحت تأثیر خوش بینی نسبت به توافق حصول توافق بیش از ۷ درصد کاهش یافته بود اما محقق نشدن توافق و باقی ماندن اینام درباره وضعیت تنگه، بخشی از این افت را جبران کرده است.

بازار به «واقعیت هرمز» واکنش نشان می‌دهد، نه صرفاً اظهارات سیاسی

یکی از نکات قابل توجه تحولات اخیر، فاصله میان برخی اظهارات سیاسی در واشنگتن و رفتار بازار نفت است. دونالد ترامپ مدعی شده آمریکا «کنترل صد درصدی» تنگه هرمز را در اختیار دارد و حتی از باز بودن تنگه سخن گفته است؛ با این حال افزایش قیمت نفت نشان می‌دهد معامله‌گرها هنوز چنین اظهاراتی را برای رفع ریسک عرضه کافی ندانند. به بیان دیگر برای بازار انرژی مهم‌تر از اعلام «کنترل» یک مسیر دریایی، حجم واقعی نفت عبوری، امنیت کشتیرانی، هزینه بیمه نفتکش‌ها، استمرار تردود چشم‌انداز سیاسی هفته‌های آینده است. این مسئله زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که جایگاه واقعی هرمز در تجارت انرژی در بررسی شود. آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرده حدود ۵ میلیون بشکه نفت در روز، مقدار حدود یک چهارم تجارت دریایی نفت جهان، در شرایط عادی از تنگه هرمز عبور می‌کند و نزدیک به ۸۰ درصد این محموله راهی بازارهای آسیایی می‌شوند. آمار اداره اطلاعات انرژی آمریکا نشان می‌دهد جریان نفت از هرمز در نیمه نخست سال ۲۰۲۵ حدود ۲۰ میلیون بشکه در روز بوده و ظرفیت مسیرهای جایگزین تنها قادر است بخشی از این حجم را پوشش دهد. بنابراین هرمز صرفاً یک موضوع مرتبط با ایران و آمریکا نیست؛ اختلال طولانی در این مسیر مستقیماً بر امنیت انرژی چین، هند، ژاپن، کره جنوبی و دیگر واردکنندگان بزرگ آسیایی اثر می‌گذارد.

چرا قیمت نفت هنوز بالای ۱۰۰ دلار نرفته است؟

سوال مهم بازار این است که اگر وضعیت هرمز همچنان نامطمئن است، چرا قیمت نفت تاکنون جهش بزرگتری نکرده است؟ پخش مهمی از پاسخ به این انتظار معامله‌گران برای دستیابی به یک راحل سیاسی با دست کم یک سازوکار موفق برای عبور محموله‌ها بازمی‌گردد. تحلیلگران معتقدند بخشی از قیمت فعلی نفت براین فرض استوار است که شرایط موجود دائمی نخواهد بود و در نهایت راهی برای افزایش جریان انرژی پیدا می‌شود. هم‌زمان چند عامل دیگر نیز به مهار قیمت کمک کرده‌اند: استفاده از خطوط لوله جایگزین، افزایش تولید در برخی مناطق خارج از خلیج فارس، تقویت مسیر محموله‌ها و نوسان تقاضای چین در جمله عواملی هستند که تاکنون بخشی از فشار کمبود عرضه را جذب کرده‌اند. اما ظرفیت این عوامل نامحدود نیست. اداره اطلاعات انرژی آمریکا مجموع ظرفیت مهم خطوط لوله عربستان و امارات برای درز درن هرمز را حدود ۴۰۰ میلیون بشکه در روز برآورد کرده که در مقایسه با نزدیک به ۱۰ میلیون بشکه انرژی که در شرایط عادی از هرزمز عبور می‌کند، نشان می‌دهد جایگزینی کامل این نفت در کوتاه‌مدت عملاً بسیار دشوار است.

سناریوی ۱۲۱۰-۱۴: دلارزی پشدر جدی است؟

هند را اصلی تحلیلگران مربوط به زمانی است که بازار از امید به یک توافق فاصله بگیرد. کبریا نامکینز، اقتصاددان ارشد کمپیتال اونومیسکس معتقد است بازار هم اکنون می‌دواند و سناریوی قیمت گذاری می‌کند. بازگشت نسبتاً سریع جریان انرژی از یک طرف و طولانی شدن محدودیت هرماز طرف دیگر است که در صورت ادامه وضع موجود، احتمال سناریوی دوم در قیمت‌ها افزایش خواهد داد. در سناریوی که محدودیت طولانی شود و ذخایر نفت کشورهای OECD با سرعت کاهش پیدا کند، برآوردها از امکان ورود نفت به محدوده ۱۲۱۰-۱۴ دلار برای هر بشکه در مراحل بعدی بحران حکایت دارد. این عدد یکی پیش‌بینی قطعی نیست، بلکه سناریوی قیمتی ناشی از کاهش شدید ذخایر و ناتوانی بازار در جذب شوک عرضه است. آژانس بین‌المللی انرژی نیز پیش‌تر تأثیر اختلاف هرمز بر بازار را کم‌سابقه توصیف کرده و گزارش داده که کاهش جریان نفت از این مسیر فشار شدیدی بر موجودی‌ها و قیمت برآوردها خواهد داشت. وارد کردن است.

چین: متغیری که می تواند معادل قیمت را تغییر دهد

در کنار هرمز، رفتار چین یکی از تعیین کنندترین متغیرهای هفته های آینده بازار است. کاهش و افزایش قیمت نفت چین در مقطعی به جذب بخشی از مزاد بازار برای بارک ترک در اماطلاعات جدید مورد تحلیلگران نشان می دهد و واردات خام چین در ماه ژوئیه بهبود یافته و انتظار افزایش بیشتر آن نیز وجود دارد. آمریکا، مناس، مدیر تحقیقات Energy Aspects، بر همین اساس سند ارائه داده که قیمت نفت نمی تواند برای مدت نامحدود در سطوح پایین باقی بماند. این مسئله برای هرمز اهمیت ویژه ای دارد. بخش بزرگی از نفت عبوری از این تنگه به آسیا می رود و چین و هند در میان مهم ترین مقاصد قرار دارند. طبق آمار آژانس بین المللی انرژی، این دو کشور در سال ۲۰۲۵ در مجموع ۴۴ درصد نفت خام عبوری از تنگه دار دیافت کردند. در نتیجه افزایش سهم تقاضای آسیا همزمان با محدود شدن عرضه می تواند تعادل شکننده فعلی را به سرعت برهم بزند.

اتکای کامل به بخش خصوصی؛ خطای سیاستی در توسعه صنعت برق بود

باشد. واگذاری کامل توسعه به بخش خصوصی، بدون در نظر گرفتن این واقعیت‌ها، به توقف سرمایه‌گذاری و تعمیق ناترازی منجر می‌شود.

آزادسازی قیمت، مسئله کمبود سرمایه‌گذاری

را حل نمی‌دهد

پژوهشگر پژوهشگاه نیرو با اشاره به بحث آزادسازی قیمت‌ها گفت: تصور اینکه با آزادسازی تعرفه برق، تعادل عرضه و تقاضا برقرار و مشکل کمبود سرمایه‌گذاری حل می‌شود، ساده‌سازی یک مسئله پیچیده است. در کشورهایی با درآمد سرانه پایین، حتی بازار آزاد برق به دلیل ضعف توان پرداخت، نمی‌تواند تقاضای مؤثر ایجاد کند.

ایشان با بیان اینکه برق کالایی زیرساختی و ضروری است، خاطرنشان کرد: تجربه جهانی نشان می‌دهد بازار برق در کشورهای در حال توسعه ناگزیر به صورت ترکیبی از قیمت‌گذاری یارانه‌ای و بازار آزاد دارم می‌شود و حذف نقش دولت از این حوزه، به مشکل‌گیری قفرازری و محرومیت گسترده منجر خواهد شد.



و نه مصرف کنندگان توان پرداخت واقعی برق را دارند. اسدی ادامه داد: در چنین شرایطی توسعه گرانقش پیشران را ایفای خصوصی تنها می تواند نقش مهمی داشته باشد.



کنار کشیدن دولت از سرمایه‌گذاری
و، مبتنی بر درک نادرست از اقتصاد
توسعه‌ای کشور بوده است.

بخش خصوصی معجزه‌گر؟ در عمل

به سیاست‌های مندرج در برنامه‌های
توسعه توضیح داد: در این برنامه‌ها
دولت حداکثر ۲۰ درصد سرمایه‌گذاری
دارد، توسعه تولید، انتقال و توزیع برق
خصوصی باشد. این فرض در عمل
مؤلفیت توسعه به یک موجود موهومی
شده که نه توان مالی لازم را داشت و
حاکم بر صنعت برق را می‌توانست
تجربه ایران و بسیاری از کشورهای دیگر
که اتکای صرف به بازار و سرمایه‌گذاری
توسعه زیرساخت‌های حیاتی، بدون
فعال دولت، به نتیجه نمی‌رسد.

تغافل در کشورهای در حال توسعه بدون

نیست

به تجربه جهانی گفت: حتی در

نذار. سیاه
در صنعت
برق و شر
فرض وجو
نقش
اسدی با
پنجم و ش
فرض شد
کند و ۸۰
بر دوش بی
به واگذاری
منجر شد
نه ریسک
مدیریت ک
نشان می
خصوصی
نقش آفرین
توسعه زیر
دولت
وی با اش



دستاورد هوشمندسازی؛ کاهش فرار مالیاتی با شناسایی مغایرت پرونده ها

بررسی داده‌های مالیاتی به شناسایی ۱۷۶ هزار و ۲۲۷ فعال خرده‌فروشی میوه و تره‌بار با کارت خوان ثبت‌شده برای عمده فروشی، ۲۶۸۶ پزشکی با کد فعالیت نامتناسب، ۸۶۱ طلافروش با کارت‌خوان مربوط به فروش طلاي آب‌شده و ۴۲۴۴ کارت‌خوان غیرتجاری مورد استفاده در کسب‌وکارها منجر شده است. این نتایج ظرفیت هوشمندسازی برای شناسایی مغایرت‌ها و کاهش وابستگی به ممیزی‌های موردی را نشان می‌دهد. مغایرت اطلاعات پرونده‌های مالیاتی اثبات‌کننده فرار مالیاتی نیست اما اولین گام در جهت اصلاح مشکلات موجود محسوب می‌شود.

یکی از مهم‌ترین کاربردهای هوشمندسازی نظام مالیاتی، تطبیق اطلاعات ثبت‌شده مودیان با نشانه‌های واقعی فعالیت اقتصادی آن‌هاست. این تطبیق می‌تواند مواردی را آشکار کند که نوع شغل، کد فعالیت یا کاربری ابزار پرداخت با فعالیت واقعی مودی همخوانی ندارد و رهنمایاتی می‌تواند به کاهش فرار مالیاتی منجر شود. براساس اطلاعات اعلام‌شده، ۱۷۶ هزار و ۲۲۷ فعال خرده‌فروشی میوه و تره‌بار از کارت‌خوان‌هایی استفاده می‌کردند که برای فعالیت عمده‌فروشی ثبت شده بود. تفاوت میان ضربرب سود عمده‌فروشی و خرده‌فروشی می‌تواند بر میزان مالیات محاسبه‌شده اثرگذار و ثبت فعالیت با عنوان نادرست، مالیات مودی را کمتر از مقدار واقعی نشان دهد. در بخش پزشکی نیز ۲۶۸۶ نفر با وجود داشتن مجوز تخصص، فوق تخصص، دندانی‌پزشکی یا دیگر رشته‌های حرفه‌ای، در پرونده مالیاتی خود از کد پزشکی عمومی استفاده کرده بودند. در بازار طلا نیز ۸۶۱ خرده‌فروش از کارت‌خوان ثبت‌شده برای فروش طلاي آب‌شده استفاده می‌کردند. همچنین ۴۲۴۴ کارت‌خوان با کاربری غیرتجاری در محل فعالیت‌های اقتصادی شناسایی شده است.

بررسی آرایشگاه‌های زنانه نیز به شناسایی ۶۶۸۹ واحد با رتبه فعالیت پایین‌تر از وضعیت واقعی، ۱۵۱ واحد با کد فعالیت نامتناسب و ۳۱۸ واحد دارای مجوز اما فاقد پرونده مالیاتی منجر شده است. سازمان امور مالیاتی اعلام کرده پیش از اقدام قانونی، به مودیان فرصت اصلاح اطلاعات داده می‌شود.

شناسایی مغایرت با اثبات فرار تفاوت دارد

این آمارها نشان می‌دهد اتصال اطلاعات مجوزها، پرونده‌های مالیاتی، تراکنش‌ها و کارت‌خوان‌هایی‌تواند دامنه نظارت را بسیار فراتر از رسیدگی سنتی امورها ن مالیاتی گسترش دهد. شناسایی سیستمی همچنین امکان تمرکزرسیدگی انسانی بر پرونده‌های پرریسک را فراهم می‌کند و در صورت اجرای درست، برخورد سلیقه‌ای با مودیان را کاهش می‌دهد. با این حال، همه مغایرت‌های شناسایی‌شده را نباید فرار مالیاتی قطعی تلقی کرد. بخشی از آن‌ها ممکن است ناشی از ثبت اشتباه، تغییر فعالیت یا به‌روزرسانی نشدن پرونده باشد. فرار مالیاتی زمانی اثبات می‌شود که مشخص شود مودی آگاهانه از اطلاعات نادرست برای کاهش مالیات استفاده کرده است. از این رو تعداد مغایرت‌ها اطلاع‌یابی از شاخص‌های عملکرد هوشمندسازی است. برای ارزیابی کامل باید روشن شود چه تعداد پرونده اصلاح شده، چه میزان مالیات جدید تشخیص و وصول شده، چند مورد پس از بررسی فاقد تخلف بوده و چه تعداد اعتراض مودیان پذیرفته شده است. درمجموع، ارقام منتشرشده از توان رو به رشد سازمان امور مالیاتی در کشف ناهماهنگی میان اطلاعات رسمی و فعالیت واقعی حکایت دارد. گام بعدی، انتشار نتایج مالیی این بررسی‌هاست تا مشخص شود هوشمندسازی تا چه اندازه به گسترش پایه‌های مالیاتی، کاهش فرار و توزیع عادلانه‌تر بار مالیات منجر شده است.

اقتصاد کویت در گرو ماجراجویی آمریکا در تنگه هرمز

گزارش‌ها نشان می‌دهد ادامه زیاده‌خواهی آمریکا در تنگه هرمز رفته رفته اقتصاد کویت را به زانو درمی‌آورد. برآوردهای اقتصادی و همچنین افق‌های پیش‌رواز روند تنش‌های ایجاد شده در خلیج همیشه فارس نشان می‌دهد آینده کویت در گروسوخت تنگه هرمز و کاهش زیاده‌خواهی‌های آمریکا در منطقه است. بخش نفت کویت که ستون اصلی اقتصاد این کشور محسوب می‌شود، در پی تشدید درگیری‌ها در خلیج فارس و اختلال در تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز با بحران کم‌سابقه‌ای مواجه شده است؛ بحرانی که می‌تواند اقتصاد کویت را در معرض فشارهای فزاینده قرار دهد. کویت پس از گذشت شش ماه از آغاز این تنش‌ها، همچنان به‌شدت به دسترسی به تنگه هرمز وابسته است؛ مسیری راهبردی که اختلال در تردد از آن، صادرات نفت این کشور را با مشکل مواجه کرده است. نفت سال‌هاست ستون اصلی اقتصاد کویت بوده است. این کشور نزدیک به ۶ درصد از ذخایر نفتی جهان را در اختیار دارد و بیش از ۹۰ درصد درآمد دولت و تقریباً تمام درآمد‌های صادراتی آن به فروش نفت خام وابسته است. کویت برخلاف عربستان سعودی و امارات متحده عربی، خط لوله‌ای برای دور زدن تنگه هرمز ندارد و صادرات نفت خام آن به‌طور کامل به تردد نفتکش‌ها از سواحل این کشور و عبور آنها از تنگه هرمز برای رسیدن به بازارهای جهانی وابسته است. شوخ‌نواختی سعودی الصباح، مدیر اجرایی شرکت نفت کویت (KPC)، این وضعیت را «سخت‌ترین و بزرگ‌ترین بحرانی» توصیف کرده که بخش نفت کویت از زمان حمله عراق در سال ۱۹۹۰ با آن مواجه شده است. به گفته وی در جریان حمله عراق به کویت و جنگ خلیج فارس، ارتش عراق صدها چاه نفت را به آتش کشید؛ مخازن بزرگ ذخیره‌سازی را تخریب کرد و پالایشگاه‌ها را هدف قرار داد که خسارت‌های گسترده‌ای به صنعت نفت کویت وارد کرد.

بحران نفتی کویت

اگرچه شرایط کنونی به اندازه جنگ خلیج فارس به زیرساخت‌های نفتی کویت آسیب نرذ است، اما بخش نفت این کشور نیز از پیامدهای بحران در امان نمانده است، چون جریان دلارهای نفتی در اقتصاد این کشور به واسطه بسته شدن تنگه هرمز متوقف شده است. این در حالی است که چند روز پس از آغاز جنگ، شرکت دولتی KPC وضعیت اضطراری اعلام کرد؛ اقدامی حقوقی که از شرکت در شرایطی مانند جنگ با بلایای طبیعی و زمانی که به دلیل وقایع غیرقابل پیش‌بینی قادر به اجرای تعهدات قراردادی خود نیست، حمایت می‌کند. هرچند این وضعیت در ماه ژوئن لغو شد، اما واقعیت اینجاست که تیعات آن کاملاً زیاده‌رости همچنان ادامه دارد. الصباح در گفت‌وگویی با خبرگزاری فرانسه از دفتر موقت خود که پس از آسیب دیدن دفتر مرکزی شرکت نفت کویت در ماه آوریل به آن منتقل شده بود، گفت: «این بحران ما را با چالش جدیدی روبه‌رو کرده است.» طبق آمارهای رسمی پیش از جنگ، کویت روزانه کمی بیش از ۲/۶ میلیون بشکه نفت تولید می‌کرد و برنامه داشت ظرفیت تولید خود را تا سال ۲۰۴۰ به ۴ میلیون بشکه در روز افزایش دهد.



صنعت مرغ در تله مازاد تولید

ظرفیت تولید مرغ در ایران از نیاز داخلی فاصله گرفته و کاهش قدرت خرید خانوارها این شکاف را عمیق‌تر کرده است. در چنین شرایطی، صادرات دیگری گزینه جانبی برای مرعداران نیست، بلکه به یکی از شروط حفظ تولید تبدیل شده؛ با این حال، سیاست‌های مقطعی و محدودیت‌های ناگهانی می‌تواند بازارهای صادراتی را پیش از آنکه صنعت از آن‌ها بهره‌برگیرد، از ایران دور کند.

صنعت مرغداری ایران در سال ۱۴۰۵ با یک تناقض جدی مواجه است: از یک سو کشور از نظر زیرساخت، ظرفیت جوجه‌ریزی و توان تولید، امکان عرضه بیش از نیاز بازار داخلی را دارد و از سوی دیگر، قدرت خرید مصرف‌کننده و اندازه بازار داخلی اجازه نمی‌دهد تمام این تولید در داخل جذب شود. نتیجه این وضعیت، فشاری است که ابتدا خود را در افت قیمت مرغ در رب مرعداری و کاهش حاشیه سود تولیدکننده نشان می‌دهد و در مرحله بعد می‌تواند به کاهش جوجه‌ریزی، خروج واحدهای کم سرمایه از چرخه تولید و در نهایت نوسان شدید قیمت برای مصرف‌کننده منجر شود. آمارهای رسمی نیز نشان می‌دهد تولید مرغ در سال جاری همچنان در سطح بالایی قرار دارد. براساس گزارش مرکز آمار ایران، در اردیبهشت ۱۴۰۵ حدود ۱۵۷ هزار تن گوشت مرغ در کشتارگاه‌های رسمی کشور عرضه شده

که ۹۷ درصد از کل گوشت طیور عرضه‌شده را تشکیل می‌داد. با وجود این، این رقم نسبت به مدت مشابه سال قبل کاهش قابل توجهی داشته و کل عرضه گوشت طیور در کشتارگاه‌های رسمی نیز نسبت به اردیبهشت ۱۴۰۴ حدود ۳۵ درصد کمتر شده است. این کاهش را نباید لزوماً به معنای کمبود ساختاری مرغ در کشور تعبیر کرد. صنعت طیور همچنان ظرفیت بسیار بالایی در مصرف فعلی دارد و مسئله اصلی در مقطع کنونی بیشتر به تعادل میان تولید، مصرف، قیمت و بازار صادراتی بازمی‌گردد. از سوی دیگر، سیاست افزایش جوجه‌ریزی که با هدف تضمین امنیت غذایی و جلوگیری از کمبود مرغ دنبال شده، در صورت نبود بازار مکمل می‌تواند نتیجه معکوس نرای تولیدکننده داشته باشد. براساس گزارش‌های منتشرشده، جوجه‌ریزی در خرداد ۱۴۰۵ حدود ۱۱ میلیون قطعه و در تیرماه به حدود ۱۳ میلیون قطعه رسیده؛ سطحی که آثار آن می‌تواند با فاصله زمانی چند هفته‌ای در افزایش عرضه مرغ خود را نشان دهد.

درواقع، صنعت مرغداری با یک چرخه زمانی حساس روبه‌روست، تصمیمی که امروز درباره جوجه‌ریزی گرفته می‌شود، چند هفته بعد به افزایش عرضه مرغ منجر خواهد شد. بنابراین اگر در فاصله میان این دو نقطه، مصرف داخلی کاهش پیدا کند یا امکان صادرات فراهم نباشد، مازاد تولید تقریباً اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. برنام‌ریزی تولید، حمل‌ونقل، استانداردهای بهداشتی و زنجیره توزیع خود نیازمند اطمینان است. اگر صادرکننده ایرانی نداند که سه ماه دیگر مجوز صادرات خواهد داشت یا نه، عمل‌آنی‌تواند قرارداد بلندمدت ببندد. همین بی‌ثباتی، قدرت رقابت ایران را در مقابل کشورهایی که سیاست صادراتی قابل پیش‌بینی تری دارند کاهش می‌دهد.

رقابت منطقه‌ای؛ فرصت عراق در برابر ترکیه

بازار منطقه‌ای برای مرغ ایران یک فرصت طبیعی است. نزدیکی جغرافیایی، هزینه حمل‌ونقل پایین‌تر نسبت به بازارهای دوردست و نیاز کشورهای همسایه به واردات مواد غذایی می‌تواند مزیت مهمی برای ایران ایجاد کند. عراق در این میان اهمیت ویژه‌ای دارد. بازار این کشور به دلیل نزدیکی، حجم مصرف و ارتباط تجاری با ایران می‌تواند یکی از مقاصد اصلی صادرات مرغ باشد. افغانستان نیز بازار بالقوه دیگری است. اما این بازارها خالی نیستند و صادرکنندگان ایرانی

باید با تولیدکنندگان و صادرکنندگان کشورهای منطقه رقابت کنند. ترکیه نمونه روشنی از این رقابت است. داده‌های رسمی مرکز آمار ترکیه نشان می‌دهد این کشور در سال ۲۰۲۵ حدود ۲۰۸ میلیون تن گوشت مرغ تولید کرده که نسبت به سال قبل ۱۱.۳ درصد رشد داشته است. تولید ماهانه دسامبر نیز حدود ۲۵۴ هزار تن بوده است. این ارقام از یک نکته مهم کابایت دارد: ترکیه نه فقط ظرفیت تولید بالایی دارد، بلکه توانسته افزایش تولید را در کنار حضور فعال در بازارهای خارجی قرار دهد. بنابراین رقابت ایران با ترکیه صرفاً رقابت بر سر قیمت نیست؛ رقابت بر سر ثبات عرضه، کیفیت، استاندارد، بسته‌بندی، لجستیک و مهم‌تر از همه اعتبار تجاری است.

اگر ایران در یک مقطع مازاد تولید داشته باشد و صادرات را باز کند اما چند هفته بعد از افزایش قیمت داخلی صادرات را متوقف کند، خریدار خارجی به تدریج به سمت رقیب خواهد رفت. بازگشت دوباره به همان بازار نیز هزینه‌مند دارد. صادرکننده ایرانی باید مذاکره جدید انجام دهد، قیمت‌زافاتی پیشنهاد کند و برای جلب اعتماد خریدار دوباره تلاش کند؛ بنابراین یکی از مهم‌ترین مشکلات صنعت مرغ را باید در غیرقابل پیش‌بینی بودن سیاست تجاری جست‌وجو کرد. تجربه محصولات دیگر بخش طیور نیز نشان داده که ممنوعیت صادرات برای کنترل کوتاه‌مدت قیمت می‌تواند هزینه‌ای بلندمدت برای تولیدکننده ایجاد کند. حتی در تیرماه ۱۴۰۵، درباره صادرات تخم مرغ نیز سیاست‌های محدودکننده و سپس اصلاح آن مطرح شد و فعالان صنعت نسبت به اثر این تصمیمات بر انگیزه تولید هتسار دادند. برای صنعت مرغ، چرخه تولید کوتاه است و تصمیمات چنین وضعیتی حساس تر است؛ زیرا چرخه تولید کوتاه است و تصمیمات امروز مستقیماً بر جوجه‌ریزی و تولید هفته‌های آینده اثر می‌گذارد.

صادرات ۱۰ هزار تنی؛ راه‌حل باعسکن؟

در این شرایط، مجوز صادرات ۱۰ هزار تن مرغ را باید پیشتر یک اقدام کوتاه‌مدت دانست تا راه‌حل ساختاری. با توجه به تولید ماهانه بالای ۲۶۰ هزار تن که در برآوردهای صنعت مطرح شده، صادرات ۱۰ هزار تن فقط پخش کوچکی از تولید کشور را پوشش می‌دهد. حتی اگر این حجم به‌طور کامل صادر شود، اثر آن بر تراز کل بازار محدود خواهد بود. در مقابل، اگر صادرات به صورت مستمر و قابل پیش‌بینی انجام شود، می‌تواند اثر بسیار بزرگ‌تری بر رفتار تولیدکنندگان داشته باشد؛ زیرا مرعداری می‌داند در صورت افزایش تولید، بازار دوم و خارج

از کشور نیز برای محصولش وجود دارد. این تفاوت بسیار مهم است: صادرات محدود، مازاد امروز را تخلیه می‌کند؛ صادرات باید، رفتار تولیدکننده را برای ماه‌های آینده تغییر می‌دهد. به همین دلیل، سیاست مناسب لزوماً آزادسازی بدون قید و شرط صادرات نیست. دولت همچنان باید امنیت غذایی و قدرت خرید مصرف‌کننده را در نظر بگیرد اما به جای ممنوعیت‌های ناگهانی، می‌تواند یک سازوکار قابل پیش‌بینی برای صادرات ایجاد کند. برای نمونه می‌توان یک سطح ذخیره استراتژیک و نیاز داخلی را به عنوان کف امنیت غذایی تعیین کرد و مازاد تولید بالاتر از آن را با یک فرمول مشخص قابل صادرات دانست. در این مدل، تولیدکننده و صادرکننده از چند ماه قبل می‌دانند که تحت چه شرایطی صادرات مجاز است و دولت نیز ابزار لازم برای کنترل بازار داخلی را در اختیار دارد. این مدل از یک جهت دیگر نیز اهمیت دارد. آمار رسمی نشان می‌دهد در فروردین ۱۴۰۵ حدود ۲۰۰ هزار و ۷۵۱ تن گوشت مرغ در کشتارگاه‌های رسمی عرضه شده بود؛ در اردیبهشت این رقم به حدود ۱۵۷ هزار تن رسید.

این نوسان نشان می‌دهد سیاست‌گذاری در صنعت طیور باید به جای تمرکز صرف بر یک عدد تولید، کل زنجیره را در نظر بگیرد؛ از جوجه‌ریزی و نهاده گرفته تا کشتار، ذخیره‌سازی، مصرف و صادرات. از سوی دیگر، شرایط جهانی نیز ضرورت داشتن بازارهای صادراتی را بیشتر کرده است. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد در سال ۲۰۲۶ نیز نسبت به افزایش فشار هزینه‌های تولید غذادر نتیجه رشد قیمت انرژی، اختلال در بازار نهاده‌ها و تحولات ژئوپلیتیکی هشدار داده است.

شاخص قیمت غذای فائو در مارس ۲۰۲۶ نیز ۲.۴ درصد نسبت به فوریه افزایش یافت و قیمت گوشت یک درصد بالا رفت، هرچند قیمت جهانی گوشت مرغ در آن مقطع اندکی کاهش داشت. در چنین محیطی، مزیت ایران فقط ظرفیت تولید نیست؛ بلکه باید بتواند این ظرفیت را به ظرفیت صادراتی واقعی تبدیل کند. واقعیت این است که صنعت مرغ ایران امروز بیش از آنکه با مشکل تولید مواجه باشد، با مشکل مدیریت مازاد تولید و دسترسی پایدار به بازار مواجه است. ظرفیت‌های موجود، دانش فنی و بازارهای نزدیک منطقه‌ای این امکان را ایجاد کرده‌اند که بخشی از تولید مازاد صادر شود اما تحقق این ظرفیت به سیاست تجاری نیاز دارد. اگر دولت همچنان جوجه‌ریزی را برای جلوگیری از کمبود افزایش دهد اما هم‌زمان مسیر صادرات را ببندد، نتیجه می‌تواند تکرار چرخه زیان تولیدکننده و سپس کاهش تولید باشد. در نقطه مقابل، اگر صادرات بدون توجه به نیاز داخلی آزاد شود، در دوره‌های کمبود ممکن است قیمت مصرف‌کننده افزایش پیدا کند. راه‌حل درواقع میان این دو قطب قرار دارد: تنظیم بازار با داده، نه با ممنوعیت. صنعت مرغ نیازمند یک نظام تصمیم‌گیری است که بتواند بر اساس آمار جوجه‌ریزی، موجودی نهاده، تولید پیش‌بینی‌شده، قدرت خرید خانوارها، ذخایر داخلی و ظرفیت بازار صادراتی، سقف صادرات را به‌صورت دوره‌ای تعیین کند. چنین رویکردی به دولت اجازه می‌دهد در زمان کمبود صادرات را محدود و در زمان مازاد آن را توسعه دهد، بدون آنکه هراب با تغییر شرایط، کل قواعد تجارت خارجی تغییر کند.

در نهایت، اگر ظرفیت واقعی صنعت را بیش از نیاز داخلی بدانیم، مازاد تولید لزوماً تهدید نیست؛ مازاد تولید می‌تواند تبدیل به فرصت صادراتی شود. تهدید زمانی ایجاد می‌شود که این مازاد بدون بازار بماند. در این حالت، هزینه آن ایتدار بدوش مرعدار، سپس بر زنجیره

تولید و در نهایت بر مصرف‌کننده تحميل خواهد شد. برای ایران که بازارهای بزرگی در اطراف خود دارد، از عراق و افغانستان گرفته تا دیگر کشورهای منطقه، مسئله اصلی دیگر اثبات توان تولید مرغ نیست؛ مسئله این است که آیا سیاست‌گذار می‌تواند شرایطی ایجاد کند که تولیدکننده مطمئن باشد محصولی که امروز تولید می‌کند، فردا هم بازار خواهد داشت یا نه. اگر پاسخ این پرسش منفی باشد، حتی بزرگ‌ترین ظرفیت‌های تولیدی نیز بلا استفاده خواهند ماند. اما اگر صادرات به یک مسیر پایدار و قابل پیش‌بینی تبدیل شود، همان ظرفیتی که امروز به عنوان «مازاد» شناخته می‌شود، می‌تواند به منبع درآمد ارزی، ابزار تثبیت تولید و حتی سکوی ارتقای جایگاه ایران در بازار مرغ منطقه تبدیل شود.

اگر دولت همچنان جوجه‌ریزی را برای جلوگیری از کمبود افزایش دهد اما هم‌زمان مسیر صادرات را ببندد، نتیجه می‌تواند تکرار چرخه زیان تولیدکننده و سپس کاهش تولید باشد. در نقطه مقابل، اگر صادرات بدون توجه به نیاز داخلی آزاد شود، در دوره‌های کمبود ممکن است قیمت مصرف‌کننده افزایش پیدا کند

نسبت به سال گذشته ۱۶.۳ درصد افزایش داشته که این بالاترین درآمد سه‌ماهه در تاریخ این شرکت است. اما هزینه سوخت آن بیش از ۲.۲ میلیارد دلار یا ۸۳ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافته است. با توجه به جهش اخیر در هزینه سوخت، این شرکت اکنون انتظار دارد سود سالانه به ازای هر سهم بین منفی ۰.۶۵ تا ۰.۶۵ دلار باشد. برای سه‌ماهه سوم، آمریکن ایرلاینز اکنون زیان بین ۰.۱۰ تا ۰.۷۰ دلار به ازای هر سهم را ثبت کرده که به‌شدت از برآورد تحلیلیگران مبنی بر سود ۰.۶۱ دلار به ازای هر سهم پایین‌تر است.

شرکت هواپیمایی یونایتد ایرلاینز هفته گذشته اعلام کرد که در مقایسه با پیش‌بینی ابتدای سال، انتظار دارد نزدیک به ۶ میلیارد دلار هزینه سوخت اضافی برای سوخت این شرکت ۲.۳ میلیارد دلار یا ۸۶ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یفت. همچنین، یونایتد اعلام کرد: «در طول این سه‌ماهه، هزینه سوخت ۹۰۰ میلیون دلار افزایش یافته است. این شرکت هواپیمایی اعلام کرد که افزایش هزینه سوخت در سه‌ماهه دوم، ۱.۱۷ دلار از سود تعدیل‌شده هر سهم (EPS) را کاهش داده است. طبق برآورد شرکت ساوت‌وست برای سال ۲۰۲۶، سود هر سهم تعدیل‌شده در بازه ۲.۲۵ تا ۴.۳۵ دلار است، در حالی که پیش‌بینی قبلی آن حداقل ۴.۰۰ دلار در هر سهم بود.

تدبیر ایران‌لین‌ها برای مقابله با بی‌ثباتی ژئوپلیتیک

همچنین، شرکت هواپیمایی آمریکن ایرلاینز درآمد سه‌ماهه دوم خود را ۱۶.۷ میلیارد دلار اعلام کرد که در مقایسه با پیش‌بینی ابتدای سال، انتظار دارد نزدیک به ۶ میلیارد دلار هزینه سوخت اضافی سوخت را متحمل می‌شوند. قیمت بلیت هواپیمایز در آینده کوتاه‌مدت کاهش نخواهد یافت.



برقراری بود. فروپاشی این تقاهم‌نامه و پایان آتش‌بس، افزایش مجدد قیمت نفت خام و سوخت را به دنبال داشت، هزینه‌های سوخت خطوط هوایی را افزایش و شرکت‌های هواپیمایی آمریکایی را مجبور کرد تا با وجود تقاضای بالای تابستانی، برآوردهای درآمدی خود را کاهش دهند. هزینه‌های سوخت یکی از بزرگ‌ترین هزینه‌ها خطوط هوایی است و افزایش قیمت سوخت در دو هفته گذشته باعث شد همه شرکت‌های هواپیمایی آمریکایی انتظارات درآمدی خود را برای سال ۲۰۲۶ کاهش دهند.

گزارش شرکت هواپیمایی ساوت‌وست از درآمد خود